

نقش قهوه‌خانه‌های عصر صفوی در تکوین سبک هندی

علی حیدری^۱ قاسم صحرائی^۲ مجتبی عباس‌آبادی^{۳*}

(تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۳۱، تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳)

چکیده

در روزگار صفوی، محافل اجتماعی به‌خصوص قهوه‌خانه‌های اصفهان، نقش مهمی در روابط و فعالیت‌های شاعران مکتب اصفهان داشته است. در لابه‌لای تذکرها و گاه سفرنامه‌های اروپاییان آنچه مشاهده می‌شود حضور شاه عباس اول و دیگر اقدار اجتماعی در قهوه‌خانه است. با طرح غزل، نقد و اصلاح شعر، شاعران - که گاهی اهل پیشه و کسب بوده و در عرصه آفرینش شعر، نیاز به تلاش و ممارست داشته‌اند - در قهوه‌خانه‌ها به رشد و کمال می‌رسیدند. همچنین قهوه‌خانه‌ها در رونق وقوع‌گویی و پیوند خوش‌نویسی و شعر این دوره تأثیر بسزایی داشته‌اند. از سویی دیگر، گاهی مصرف مواد مخدر در قهوه‌خانه‌ها قدرت تخیل را تشدید می‌کرد؛ تا جایی که می‌توان گفت یکی از دلایل خیال‌پردازی شاعران آن دوره، مصرف مواد بوده است، چنان‌که در سطح واژگانی و مضمون‌پردازی تنی

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان.

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول).

* m_abbasabadi20013@yahoo.com

چند از شاعران صاحب‌سبک مانند صائب به آن برمی‌خوریم. ظرافت خیال و نازکاندیشی شاعران سبک هندی دلایل فراوانی دارد، اما مصرف مواد مخدر از عواملی بوده که کمتر بدان پرداخته شده است. فراوانی اصطلاحات قهوه‌خانه و نام انواع مواد مخدر در شعر این دوره گویای این واقعیت است. در این جستار، تأثیر قهوه‌خانه‌های اصفهان به‌عنوان محفلی ادبی و مصرف مواد مخدر در آنجا بر شکل‌گیری شعر این دوره با روش تحلیلی-توصیفی بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: قهوه‌خانه، نقد، اصلاح شعر، مواد مخدر.

۱. مقدمه

براساس اطلاعات منابع و تذکره‌های عصر صفوی، محافل ادبی و اجتماعی بر سبک شعر فارسی و فعالیت‌های ادبی این دوره تأثیرگذار بوده‌اند. قهوه‌خانه‌ها نیز از مهم‌ترین کانون‌های ارتباط شاعران در اصفهان، مرکز حکومت صفویان بوده است. با بررسی منابع عصر صفوی، دیوان شاعران، تذکره‌ها و سفرنامه‌ها، نتایج ارزنده‌ای درباره شعر سبک هندی (اصفهانی) به‌دست می‌آید. هدف ما از این پژوهش، بررسی بازتاب مسائل مطرح‌شده در قهوه‌خانه‌ها، تأثیر روابط شاعران، بررسی پاره‌ای از مسائل عمده شعر و تأثیر مواد مخدر در نازکاندیشی برخی از شاعران عصر صفوی است.

نگریستن به شعر روزگار صفوی از دریچه قهوه‌خانه، از این نظر برجسته است که نزدیکی شاعران با دیگر اقشار در این محفل، سبب تغییر در عرصه شعر شده است. قهوه‌خانه در اصفهان روزگار صفوی، محفلی برای حمایت از شعر و شاعری به جای دربار است.

در شعر سبک خراسانی و عراقی، هرگز محفل عامیانه‌ای مانند قهوه‌خانه در شعر و شاعری تأثیر نداشته است. در عصر صفوی، روی آوردن مردم کوچه و بازار به شعر از دلایل تأثیر قهوه‌خانه‌ها بر شعر فارسی بود. مردم از هر صنفی در قهوه‌خانه‌ها گرد می‌آمدند و شعر بزرگ‌ترین سرگرمی آن‌ها بود. «یکی از کارکردهای قهوه‌خانه آشنانمودن مردم با میراث فرهنگی و ادبی ایران است» (مقصودی، ۱۳۸۱: ۶۷).

طرح مباحث ادبی در قهوه‌خانه، آن را از مکانی نازل به حد و اندازه‌های محفلی تأثیرگذار و سازنده در تعیین خط سیر تحولات ادبی و کانونی برای تبادل نظر ارتقا داد.

افزون‌بر قهوه‌خانه‌ها در اصفهان، مکان‌های مشابهی نیز در شهرهای دیگر ایران برای مرادده‌های ادبی شاعران وجود داشت. دکان طراحی میرمحمود طرحی شیرازی در شیراز، محفل ادبی آن شهر در عهد صفوی به‌شمار می‌آمده است که شاعرانی مانند عرفی، عارف لاهیجی، حسین کاشی، اوحدی بلیانی، تقیای ششتری و رضا کاشی در آن رفت‌وآمد داشتند (صفا، ۱۳۶۹: ۲/۵) (۸۰۱).

در قهوه‌خانه‌ها به‌جز قهوه، مواد مخدر و مشروبات نیز مصرف می‌شد و مصرف‌کننده را به توهم و خیال‌پردازی‌های بی‌کران دچار می‌کرد.

در این پژوهش در پی اثبات تأثیر قهوه‌خانه‌های عصر صفوی و مسائل مطرح‌شده در آن‌ها بر شعر فارسی هستیم؛ مسائلی مانند حضور بزرگان، علما، خوش‌نویسان، ساقیان زیباروی، طرح غزل و مصرف مواد مخدر که مستقیم یا غیرمستقیم در تحولات سبک هندی مؤثر بوده‌اند. اگرچه تأثیر قهوه‌خانه بر شعر این دوره به موارد یادشده محدود نمی‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

نویسندگان و پژوهشگران از دیرباز به نقش قهوه‌خانه در عصر صفوی به‌منزله نهادی تأثیرگذار توجه داشته‌اند. محمدطاهر نصرآبادی (۱۳۶۱) در تذکره‌اش، از نقد و بررسی شعر در قهوه‌خانه‌ها سخن گفته و نمونه‌های فراوانی از گردهمایی شاعران و پادشاهان صفوی در قهوه‌خانه‌ها آورده است. محمود فتوحی (۱۳۷۹) نیز در کتاب *نقد خیال، نقد ادبی در سبک هندی* به این زمینه پرداخته است. اکبر ملکیان (بی‌تا) در مقاله «قهوه‌خانه در ایران» به نقش این مکان در زندگی اجتماعی مردم اشاره کرده است. منیژه مقصودی (۱۳۸۱) در «قهوه‌خانه به‌عنوان یک نهاد» از نقش گسترده قهوه‌خانه‌ها در روابط میان مردم و تأثیر آن بر زندگی روزمره صحبت کرده است. ناصر نیکویخت و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «تبلور برخی عناصر قهوه‌خانه‌ای در شعر عصر صفوی»، به بازتاب مخدرها در شعر شاعران صفوی پرداخته و تصویرپردازی شاعران از مواد و وسایل مصرف آن را نشان داده‌اند، اما به زمینه اصلی پژوهش حاضر اشاره نکرده‌اند. وجه نوآورانه مقاله وی «بررسی تبلور عناصر قهوه‌خانه‌ای در شعر غیر رسمی این دوره است که تا کنون بدان پرداخته نشده است» (همان، ۱۱۳).

افزون بر این از دیدگاه پزشکی و روان‌پزشکی، کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی در زمینه تأثیر مواد مخدر بر تقویت قوه تخیل و کاهش قوه تعقل نوشته شده است، از جمله: فرنک. جی. فیش^۱ (۱۳۶۸) در کتاب *روان‌پزشکی*، جیمز کالات^۲ (۱۳۸۶) در *روان‌شناسی فیزیولوژیک*، محمدکریم خداپناهی (۱۳۸۷) در *روان‌شناسی فیزیولوژیک*، حسین آزاد (۱۳۸۴) در *آسیب‌شناسی روانی* و یان. ام. اندرسن^۳ و یان. سی. رید^۴ (۱۳۸۶) در *مبانی بالینی روان هم‌رأی‌اند* که مواد مخدر و مشروب باعث توهم و بلندپروازی‌های قوه تخیل خواهد شد. در این مقاله نخست به قهوه‌خانه‌های عصر صفوی به‌منزله پایگاه بزرگ ادبی نگریسته و در ادامه، به برخی اثرات قهوه‌خانه در شعر این دوره اشاره می‌شود.

۳. بحث و بررسی

قهوه‌خانه‌های عصر صفوی در تغییر ذائقه شعری اهل ادب نقش داشته‌اند. تجمع مستمر شاهان، خطاطان و شاعران در قهوه‌خانه‌ها، نقد و بررسی شعر، طرح غزل، مشاعره و بگو مگوها، شاعران را جسور، دقیق و با انگیزه‌تر می‌کرده است. از سویی، مصرف مواد مخدر و مشروب که در این اماکن آزادانه و به‌وفور یافت می‌شد، گیرنده‌های افیونی مغز (مرکز هیجان و تخیل) را بیش‌ازپیش فعال می‌کرد. بنابر این دانسته‌ها، وجود قهوه‌خانه‌های اصفهان در عصر صفوی از عوامل تأثیرگذار در پیدایی سبک هندی یا دست‌کم تقویت‌کننده آن به‌شمار می‌آید. در این پژوهش نقش قهوه‌خانه‌ها و تأثیر مواد مخدر بر تیزکردن ذهن و قوه تخیل شاعران بررسی شده است.

۳-۱. وضع اصفهان در روزگار صفوی

بی‌تردید اصفهان در روزگار صفوی در اوج شهرت و اعتلا بود. واله^۵ (۱۳۸۵: ۲۷) جهانگرد ایتالیایی، این شهر را با برخی شهرهای اروپا مقایسه می‌کند و آن را از جهاتی برتر می‌داند.

سیاست‌های پادشاهان صفوی به‌ویژه شاه‌عباس اول سبب ارتقا و پیشرفت فرهنگی و اجتماعی اصفهان شده بود. قهوه‌خانه‌ها و گردهمایی مردم با دیدگاه‌ها و پیشه‌های

نقش قهوه‌خانه‌های عصر صفوی در تکوین سبک هنری _____ علی حیدری و همکاران

مختلف در آنجا، آرامش، امنیت، رفاه اجتماعی و آستانه تحمل پادشاهان آن روزگار را نشان می‌داد.

گذشته از اصفهان در شهرهای دیگر خاصه در جنوب ایران، قهوه‌خانه‌ها و میخانه‌های بسیاری وجود داشت و در غالب آن‌ها شراب را به وفور و قهوه تلخ را به رسم ترکان می‌نوشیدند. قهوه‌نوشی از آغاز عهد صفوی از راه روم به ایران رسید و در دوران شاه‌تیماسب در قزوین متداول گشت (صفا، ۱۳۶۹: ۱(۵)/۸۴). قهوه‌خانه‌های شهرهای مختلف ایران از زمان صفویه تا سال ۱۳۵۲ بررسی و شمارش شده است (ملکیان، بی‌تا).

شاردن^۶ (۱۳۷۵: ۶۲۸) سیاح مشهور فرانسوی، درباره قهوه‌خانه‌های اصفهان می‌گوید: قهوه‌خانه محلی است که در آن جمعیت کثیری از طبقات مردم گرد می‌آیند. در قهوه‌خانه‌ها از صبح پگاه تا شب به روی همگان باز است. مخصوصاً هنگام غروب پر از جمعیت می‌باشد. همه می‌توانند بی‌ترس و بیم درباره سیاست به آزادی صحبت کنند. در قهوه‌خانه‌ها، مردم خود را به بازی‌های مجاز و سرگرم‌کننده، نظیر شطرنج و نرد مشغول می‌دارند. افزون بر این‌ها ملایان، درویشان و شاعران نیز به نوبه خود در قهوه‌خانه‌ها میدان‌داری می‌کنند. فی‌الجمله دامنه آزادی در این مراکز اجتماع چندان گسترده است که همانند آن در هیچ نقطه دنیا وجود ندارد. درویشان، ملایان، شاعران، حماسه‌پردازان و داستان‌سرایان معمولاً سخن خود را با گفتن این جمله ختم می‌کنند: پند و موعظه بس است.

شاه‌عباس گاه سفیران خارجی را برای ضیافت به قهوه‌خانه می‌برد (فیگوریوا، ۱۳۶۲: ۳۴۲؛ صفا، ۱۳۶۹: ۱(۵)/۸۳).

در برخی کتاب‌ها و تذکره‌ها به قهوه‌خانه‌های اصفهان در روزگار صفوی اشاره شده است. صیدی تهرانی (۱۳۶۴: ۱۳۶) از سرایندهگان سده یازدهم، در وصف قهوه‌خانه‌ها می‌گوید:

مرا در قهوه بودن خوش‌تر از بزم شهبان باشد که آنجا میهمان را منتی بر میزبان باشد

در غزلی نیز از شلوغی قهوه‌خانه «زینا» و حضور شاه در آنجا سخن می‌گوید:

بیا به قهوه زینا رویم صیدی زود که یک زمان دگر جای شاه پیدا نیست

(همان، ۱۱۸)

در تذکره نصرآبادی نام برخی قهوه‌خانه‌ها مانند «بابا عرب» و «جنب دارالشفای قیصریه» آمده است. نصرآبادی (۱۳۶۱: ۱۴۳) در سرگذشت یکی از سادات و نجبا که گاهی نیز شعری می‌گفت، آورده است:

میرزا کافی‌بن میرمحمد خلخالی اردبیلی در فنون شعر و انشا ربطی داشت. شعر بسیاری گفته و این رباعی را جهت فغانی که در قهوه‌خانه بابا عرب بوده گفته:

تا بست فغانی به لب چون شعله ز مستی‌اش
از چهره نقاب زلف را یعنی نبود روز قیامت را

در سرگذشت «الفتی» نیز نام قهوه‌خانه «جنب دارالشفای قیصریه» آمده است: «در قهوه‌خانه جنب دارالشفای قیصریه اصفهان با او ملاقات واقع شد» (همان، ۳۲۶).

گاه شاه‌عباس خود دستور ساخت قهوه‌خانه را می‌داد. درباره شمس تیشی در تذکره نصرآبادی (۱۳۶۱: ۱۴۷) آمده است: «چون در علم موسیقی و صوت و عمل مربوط بود به خدمت شاه‌عباس ماضی مربوط شده، قهوه‌خانه‌ای در چهارباغ جهت او بنا کرده».

ثروت‌های سرشار عهد صفوی و امنیت و آسایش نسبی که از آغاز تا پایان آن دوران جز در بعضی فاصله‌های کوتاه ادامه داشت، مایه سرگرمی‌ها، هم‌گروهی‌ها و وقت‌گذرانی‌ها شد که یا در آن دوره به وجود آمده و یا از مقوله احیا و تجدید آیین‌های پیشین بود. از جمله این سرگرمی‌ها که به‌ویژه در اصفهان بسیار دیده می‌شد، گردآمدن مردم از طبقات مختلف در قهوه‌خانه‌ها، میخانه‌ها و شراب‌خانه بوده است. در این جای‌های آرامش و شادکامی، همه مردم از اهل ادب و هنر و تجارت و سوداگری و سماع و شراب با هم وعده دیدار داشتند (صفا، ۱۳۶۹: ۵/۸۳).

۲-۳. قهوه‌خانه، محل رفت و آمد بزرگان عصر صفوی

در روزگار صفوی و در حوزه حکومت آنان، قهوه‌خانه‌ها برای نقد و نقل شعر جایگزین دربار شدند. البته در هند، هنوز دربار پادشاهانی مانند جلال‌الدین اکبرشاه (۹۳۰ - ۱۰۱۴ق)، شاه‌جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ق)، عبدالرحیم‌خان خانان (۹۶۴ - ۱۰۳۶ق) و ظفرخان احسن (۱۰۷۳ق) برای اهل ادب جذاب بود.

حضور مشتاقانه بزرگان و پادشاهان صفوی در قهوه‌خانه‌ها اهمیت بسیار داشت (ملکیان، بی‌تا: ۷۹). شاه‌عباس ذوق شاعری داشت و به روایت تذکره‌ها شعر می‌سرود (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۹). وی نیز در محفل قهوه‌خانه به شعرخوانی شاعران گوش می‌داد

نقش قهوه‌خانه‌های عصر صفوی در تکوین سبک هندی _____ علی حیدری و همکاران

و گاه از سر ذوق اشعار را نقد می‌کرد. شاه‌عباس در قهوه‌خانه شعر ملاشکوهی را نقد کرده است:

مسموع شد که روزی به اتفاق میر آگهی در قهوه‌خانه عرب ... نشسته بود که
شاه‌عباس ماضی به قهوه‌خانه می‌آید. از ملاشکوهی می‌پرسد که چه کاره‌ای؟
می‌گوید که شاعرم. شعر از او طلبید. این بیت را خواند:

ما بیدلان به باغ جهان همچو برگ گل

پهلوی یکدیگر همه در خون نشسته‌ایم

شاه تحسین می‌فرماید و می‌گویند که عاشق را به برگ گل تشبیه کردن اندکی
ناملایم است (همان، ۲۳۹).

میرالهی از گویندگان عصر صفوی می‌گوید:

وقتی در اصفهان با ملاشکوهی در قهوه‌خانه عرب، قهوه‌چی بوده‌اند، شاه جنت
مکان، شاه‌عباس ماضی، به قهوه‌خانه آمده، اول از ملاشکوهی استفسار احوال می-
کرد. از میر می‌پرسد که تخلص شما چیست؟ می‌گوید: الهی. شاه پنجه بر سر میر
می‌گذارد و می‌گوید: الهی! (همان، ۲۵۵).

حضور شاعر بزرگی مانند صائب در قهوه‌خانه و شعرخوانی او از نکته‌های برجسته
است. «قافلان بیگ ... با میرزا صائب و غیره صحبت داشت ... پیش محمدعلی ماهر
نقل می‌کرد که صائب این شعر را پیش من در قهوه‌خانه خواند و من بر آن رقص کردم.
مجنون به ریگ بادیه غم‌های دل شمرد یاد زمانه‌ای که غم دل حساب داشت»

(خان آرزو، ۱۳۸۳: ۷۴۹/۲)

حضور گسترده شاعران و نقد شعر در قهوه‌خانه‌ها به حدی رسیده بود که برای آن
قوانین و عناوینی وضع کرده بودند؛ برای نمونه اصطلاح «حاشیه‌نشینان» درباره
نوآموزانی بود که هنوز اجازه حضور در جرگه شاعران را نداشتند و «موزونان» به کسانی
گفته می‌شد که یک مرتبه بالاتر بودند، سخن موزون می‌گفتند و در کنار شاعران دیگر
اظهار وجود می‌کردند. نصرآبادی در احوال ملاعلی شهریاری قمی می‌نویسد: «[او] در
جرگه موزونان است» (۱۳۶۱: ۳۶۷؛ ر.ک: افشار، بی‌تا). همو (۱۳۶۱: ۴۶۱) ارتقای خویش از
«حاشیه‌نشینان» به «موزونی» را شرح می‌دهد و آن را به سبب نقد و اصلاح شعرش از
سوی بزرگان می‌داند:

به سبب مراعات آداب در مجالس اصحاب مانند جدول «حاشیه نشین» بودم، شاهد بزمشان را از من زینت می افزود. اگرچه مانند لفظ ترک کناره گیر بودم، اما برای رابطه دخلم به جا بوده، گاهی مصرعی «موزون» می نمودم و زمانی طریق انشا می پیمودم و به اصلاح صاحبان کمال زیور قبول می یافت تا به حدی رسید که نقد سخنم در نظم و نثر رواج و رونق به هم رسانید.

شیوه نقلی و شاهنامه خوانی در عصر صفوی در قهوه خانه های اصفهان دیده می شد (ملکیان، بی تا: ۷۹). فعالیت های هنری دیگر نیز در این مکان ها رشد داشت. «تنها میعادگاه این طبقه نورسیده (شاعران) به صورت گسترده قهوه خانه بوده است. شعر، نقاشی و نقلی قهوه خانه ای در پاسخ به نیاز این عصر، رشد یافته است» (نیکویخت و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

این نهاد اجتماعی گاه بیش تر از دربار صفوی در گردآوردن هنروان به ویژه شاعران در اصفهان شهرت داشت. مردمی بودن نهادهای اجتماعی و تأثیر آن ها بر توجه هنرمندان به زندگی روزمره از ویژگی های قابل بررسی در روند شعر مکتب اصفهان است. گریز از واقعیت های اجتماعی، اغراق، گزافه گویی، تصنع و تکلف و تصاویر باشکوه از زندگی مجلل دربار از ویژگی های شعر درباری است. بازتاب خواسته پادشاه و امیر در شعر، این هنر کلامی را از واقع گویی دور می کند. دربار مجمع شاعران زبده و منتخبی بود که برای ورود و ماندگاری، با شرایط دشواری روبه رو می شدند. ملوک الشعرا که پادشاهان سخن بودند، برای حضور در دربار و ماندن در مقام ملک الشعرا بی ناچار خواسته و پسند امیر و پادشاه را به شعر در می آوردند، شعری تبلیغی، ناخواسته و دور از واقعیت زندگی اجتماعی می سرودند، دنیا را از زاویه دید شاهان و حاکمان مشاهده و حتی دین آنان را تبلیغ می کردند. درحالی که قهوه خانه ها شرایطی برای حضور عامه مردم با پیشه های متفاوت فراهم کرد تا هنر خود را به مردم عرضه کنند. شاعران پسند خود را دنبال می کردند، آزادی بیشتری در گزینش داشتند و شعرشان واقع گرا بود. روابط سنتی قهرمانان شعر فارسی، یعنی عاشق و معشوق بازنگری شد و مخاطبان و خریداران غزل، دیگر فقط دربار و شاهان و یا خانقاه نشینان نبودند. قراردادها، الزامها و سنت های محکم غزل سرایی تغییر کرد و زبان فاخر غزل تا اندازه زیادی

ساده شد. برای مدتی کوتاه، ادبیات تجویزی در ایران از بین رفت، شاعران بیشتر از هر زمانی حرف دل خود را می‌زدند و کمتر مداحی می‌کردند.

غیر از پادشاهان صفوی، امرا، خوانین و افراد سرشناس نیز در محفل قهوه‌خانه حضور می‌یافتند. نصرآبادی (۱۳۶۱: ۳۵) نمونه‌هایی از شعر آنان را ثبت کرده است. علما و هنرمندان به‌ویژه خوش‌نویسان و نقاشان نیز از این دسته به‌شمار می‌آمدند (همان، ۳۹، ۲۰۸). در این عصر نقاشان و خوش‌نویسان از چهره‌های شاخص اجتماعی بودند و نگارگری و خوش‌نویسی رونق بسیار داشت.

ارتباط اجتماعی خوش‌نویسان با شاعران در محافل عمومی سبب تأثیر و تأثر در شعر و خوش‌نویسی شد. خوش‌نویسان اشعار شعرا را در هنرشان به‌کار گرفتند و اصطلاحات خوش‌نویسی به شعر راه یافت. فراوانی اصطلاحات خطاطی در شعر این دوره، تا حدی متأثر از همین قهوه‌خانه‌هاست. «شعر دوره صفوی در پی آفرینش مضامین بدیع و بیگانه، با واژه‌ها و اصطلاحات خوش‌نویسی پیوند گسترده‌ای دارد» (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

ارتباط شعرا با علما و هنرمندان و حضور گروه‌های مختلف در این نهاد اجتماعی، بیانگر ایجاد فضای تازه‌ای در روزگار صفوی بود که خلاف ضرورت‌های دربار و راه و روش آن، با آزادی بیشتری رشد می‌کرد. هدف از عرضه هنر در آن درآمد نبود، خریداران پایبند اصول هنردوستی دربار نبودند، انگیزه‌ها برای آفرینش هنری با گذشته تفاوت داشت و این شیوه بر روند شعر مکتب اصفهان بسیار تأثیر می‌گذاشت.

۳-۳. طرح غزل در قهوه‌خانه

طرح شعر که بیشتر غزل بود، از فعالیت‌های ادبی رایج در این دوره است. طرح غزل در همه محافل ادبی از جمله قهوه‌خانه، بین شاعران و حتی در میان شاعران و حاکمان صورت می‌گرفته است. شبلی نعمانی (۱۳۶۳: ۱۵/۳، ۱۱۲) می‌نویسد:

سبب عمده ترقی شاعری در آن زمان، رواج بازار مشاعره بوده است. قبل از این، شعرا از پیش خود روی غزل‌های اساتید غزل می‌نوشتند، ولی از حالا (یعنی از زمان فغانی) این طریقه برقرار شد که در منزل یک نفر امیر صاحب ذوقی، شعرا جمع می‌شدند، طرحی که قبلاً داده شده بود همگی در آن طرح غزل‌هایی نوشته، می‌آوردند و در آنجا می‌خواندند. بازار سخن گرم می‌شد و بسا می‌شد بین دو

شاعر حریف هم، سر اشعارشان نزاع در می‌گرفت که حتی آن به زدوخورد می‌کشید. لذا برای فائق‌آمدن بر حریف، هر کس برای مرغوب‌کردن اشعار خویش درجهٔ دقت را به‌کار می‌برد.

درگیری ملاقسمت مشهدی و ملک‌حیدر بر سر معنی شعری که ملاقسمت غلط فهمیده بود و فساد عظیمی که در قهوه‌خانه ایجاد شده بود، از نمونه‌های این بازار نقد است (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۳۱۳).

طرح شعر برای قوی‌شدن شاعران روزگار صفوی روش مناسبی به‌شمار می‌آمد، به ویژه در محیط قهوه‌خانه که گاه هدف از حضور در آنجا موزون‌شدن طبع یا جلای قریحه بوده است. «علی‌خان آجرتراش اصفهانی از کسب خود مدارا می‌کرد و منت از کسی نمی‌کشید و در قهوه‌خانه به‌سبب صحبت یاران موزون شده» (همان، ۴۳۱). صفا (۱۳۶۹: ۲/۵/۵۱۶) دربارهٔ طرح شعر در محافل مانند قهوه‌خانه می‌نویسد:

گاه به فراهم‌آمدن یک دسته شعر (غالباً غزل) با یک وزن و یک قافیه در جُنْگ‌ها و دیوان‌های متعدد منجر می‌شد؛ مثلاً فغفور لاهیجی (۱۰۳۰ق) غزلی دارد به مطلع:

مجنون نیم دارم ولی چون سنگ طفلان در بغل

هم شور جانان در سر و هم شورش جان در بغل
که بعد از او قدسی و سید و فصیحی و صائب و غالب و چند تن دیگر آن را تتبع نمودند و از این راه یک سلسله غزل‌های همسان پدید آوردند.

در عصر صفوی، این‌گونه فعالیت‌های ادبی برای شعرایی که از پیشه‌وران و کسبهٔ بازار بودند، تمرین و آزمونی برای موزون‌شدن طبع و ذوقشان به‌شمار می‌آمد. این شیوهٔ موزون‌شدن خاطر در حوزهٔ هندوستان و ایران آن عهد، برای گروه گسترده‌ای از شعردوستان که تحصیل شاعری نداشتند، بسیار به‌کار آمد.

۳-۴. بازار نقد شعر در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی
در کنار مباحث و فعالیت‌های ادبی در فضای قهوه‌خانه‌ها در اصفهان، نقد شعر نیز رواج داشت. دربارهٔ زلالی خوانساری آمده است:

روزی به قهوه‌خانه آمده مسودهٔ اشعار در دست داشت به دست ملاغروری داد. این بیت را که در تعریف براق، برابر یک دیوان شعر است، خط باطل بر آن کشیده بود:

ز جستن جستن آن سایه در دشت چو زاغ آشیان گم‌کرده می‌گشت

نقش قهوه‌خانه‌های عصر صفوی در تکوین سبک هندی _____ علی حیدری و همکاران

ملاغروری گفت: چرا این بیت را خط باطل کشیده‌ای. گفت: بعضی از یاران گفتند که معنی ندارد (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۲۳۰).

در مباحثه میان زلالی و ملاغروری بر سر اینکه شعر معنی دارد یا نه و شاعر در قطعیت معنی شعر خود تردید دارد، بحث هرمنوتیکی درباره قطعیت نداشتن معنی طرح شده است.

طرز شعر زلالی خوانساری در تذکره‌ها و از سوی منتقدان صاحب‌نام، مانند سراج‌الدین علی‌خان آرزو (۱۳۸۳: ۲/ ۴۷۷) نقد شده و شیوه او، به‌ویژه در مثنوی‌گویی «نامربوط» و اینکه «معنی ندارد» به‌شمار آمده است. خان آرزو در نقد شعر او می‌گوید: «بلی طریقه استاد زلالی را هر که پیروی نموده، او هم به اقتدای پیشوای خود راه معنی را چپ کرده است» (همان‌جا). اما در هندوستان، برای همین اشعار نامربوط و بی‌معنی شرح پیدا می‌شد. «غریب‌تر این است که یکی از فضلالی هندوستان شرح محمود و ایاز زلالی را نوشته و غریب افادات و عجیب نکات در آن درج کرده و ...» (همان‌جا). ابوریحان بیرونی (۱۳۶۲: ۱۰۳) در تحقیق ماللهند می‌نویسد: «اکثر هندوان را بینی که حریص‌اند به منظومات خویش و قرائت آن و هرچند که معنی آن درنیابند، شدت نیکوداری را {به‌گاه قرائت منظومات} انگشتان خویش در هم خمانند».

نقدهای مطرح‌شده بیشتر جنبه ذوقی و اصلاحی داشت:

ملاگرامی ... روزی در قهوه‌خانه آمده، می‌گوید که امشب ده دینار و نیم به یک شمع داده‌ام و دو غزل گفته‌ام. ملاحظاتم می‌گوید که معلوم نیست غزل‌ها به یک دینار ببرزد. خمسه‌ای هم گفته، چون زخمی در بینی داشت و پیوسته پنبه در آن چسبانده بود: ملاحظاتم می‌گوید که خمسه را چون بد گفته‌ای شیخ نظامی تیر در بینی تو کرده (همان، ۲۹۵).

کلیم کاشانی در دربار شاه‌جهان، پادشاه هند، مرتبه ملک‌الشعرایی داشت، اما نورجهان بیگم، زن شاه‌جهان، شاعری او را باور نداشت:

یک وقت کلیم این شعر را گفت و در آن وقت بسیار هم نمود که جای هیچ حرف نباشد:

ز شرم، آب شدم کآب را شکستی نیست به حیرتم که مرا روزگار چون بشکست

او این شعر را فرستاد برای نورجهان بیگم و ملکه مشارالیها که آن را دید، فوراً گفت: یخ بست و شکست (نعمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۳).

حکیم شفایی اصفهانی و محتشم نیز شعر یکدیگر را نقد کرده‌اند (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۲۱۲). در محافل ادبی این عصر، ارائه شعر برای اصلاح در میان شاعران رواج گسترده‌ای داشت. چه در ایران و چه در خطه هندوستان، مردم کوچه و بازار که با فن شعر آشنایی نداشتند، اشعارشان را از این راه منزه می‌کردند. محیط قهوه‌خانه‌ها نیز با اوصاف یادشده، محفل مناسبی برای این‌گونه مراوده‌ها بود.

۳-۵. روابط عاشقانه شاعران عصر صفوی در قهوه‌خانه‌ها

قهوه‌خانه‌های عصر صفوی تصویر میخانه‌ها و ساقیان زیبارویی را یادآور می‌شود که در شعر شاعران سبک خراسانی و عراقی انعکاس یافته است. «در آن روزگاران همه قهوه‌خانه‌های بزرگ، عرضه‌گاه پنج یا شش تن از پسران نورسیده زیباروی بود که با گیسوان آراسته برای جلب مشتریان می‌خرامیدند و کرشمه می‌فروختند» (شاردن، ۱۳۴۹: ۴۹۵).

این شیوه رایج در قهوه‌خانه‌ها که مصرف مواد افیونی و شراب و عشق‌بازی با جوانان و امردان در آنجا رایج بود، در شعر فارسی در مکتب وقوع انعکاس پیدا می‌کرد. از لابه‌لای گزارش احوالی که در تذکره‌ها آمده، قهوه‌چی و پسر قهوه‌چی (پسری که در قهوه‌خانه کار می‌کرد) چهره‌ای تازه از معشوق و شبیه ساقی در سبک عراقی است. گاه شاعران بر سر عشق او نزاع می‌کردند. آن‌گونه که در شرح حال «رشیدا» آمده است: «... در بدو حال پیاله‌کش بود و تعشقی پیش پسر قهوه‌چی، طوفان‌نام، داشت ...» (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۳۸۸)؛ یا «ملک‌حیدر» برادر ملک‌حمزه سیستانی که به زاغی قهوه‌چی عاشق بود (همان، ۳۱۳) و «محمدصالح اصفهانی اوایل، رنگ‌ریزی کردی و به میل قهوه‌چی پسری، ترک کار خود کرده، شاگردی بابای قهوه‌چی اختیار نموده» (خان آرزو، ۱۳۸۳: ۲/۹۳۶).

بازتاب این رفتارهای اجتماعی شاعران را در شعر کسانی مانند وحشی بافقی و محتشم کاشانی نیز می‌توان مشاهده کرد. «باید به یاد داشت که شاعران مشهور این

سبک (وقوع) بیشتر تحت تأثیر عشق خاکی و مادی بودند. این عشق درحقیقت در شعر این دوره جنبه انحرافی و همجنس‌گرایانه دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۱).
واقع‌گویی شیوه‌ای تازه در غزل‌سرایی بود که سادگی بیان در آن، به سبب فاصله‌گرفتن شاعران از دربار و اصول محکم آن شکل گرفت. قهوه‌خانه‌ها نیز در ترویج این روش نقش بسیار داشتند.

۶-۳. تأثیر مواد مخدر در تحریک قوه تخیل

سرشت ادبیات برپایه تخیل است، اما ادبیات شرق به‌ویژه ادبیات و فرهنگ هند، سهم بیشتری از این تخیل دارد. مهم‌ترین دلایل ظرافت، نازک‌اندیشی و گستره تخیلات هذیان‌گونه شاعران سبک هندی نیز از همین رهگذر است؛ شعر شاعرانی مانند بیدل، شوکت بخاری و غنی کشمیری که اصالتی هندی دارند، پیچیدگی بیشتری دارد. افزون-بر این، مواد مخدری که در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی مصرف می‌شد، تأثیری هرچند اندک در این خیال‌پردازی‌ها داشت. اگرچه مواد مخدر تنها عامل یا عامل اصلی این خیال‌انگیزی و باریک‌اندیشی نیست، زیرا شاعرانی نازک‌خیال و باریک‌اندیش با شهرتی عام در سبک هندی بودند که از مواد مخدر استفاده نمی‌کردند و در قهوه‌خانه نیز رفت‌وآمد نداشتند. با وجود این، تأثیر مواد مخدر بر قوه تخیل را اندکی شرح می‌دهیم.
براساس مطالعات جدید روان‌پزشکی مصرف مواد مخدری مانند بنگ، حشیش، تریاک، شیره و مشروب می‌تواند بر قسمت‌هایی از مغز که مرکز تخیل است، تأثیر بگذارد و آن را فعال‌تر کند. بنابراین می‌توان ادعا کرد مصرف چنین موادی در قهوه‌خانه‌های عصر صفوی (چنان‌که خواهیم گفت) تأثیری هرچند اندک و گذرا در پیدایش، رونق و رواج ویژگی‌های بی‌نظیر شعر این دوره (تخیل‌گرایی بیش‌ازحد و کشف معانی دور از ذهن) داشته است.

پیش از ورود به بحث، گفتنی است که در نام‌گذاری این مکان به قهوه‌خانه، نوعی مجاز (به‌علاقه تغلیب، ماکان و ...) دخیل بوده، زیرا افزون‌بر قهوه، مواد افیونی نیز در آنجا مصرف می‌شده است. مؤلف همیشه بهار درباره «شاه یقین» می‌نویسد: «اکثر دیدنش در قهوه‌خانه «چاندنی چوک» میسر آید، در عالم رسای نشئه تریاک به خیال

شعر نیز می‌پرداخت» (اخلاص، ۱۹۷۳: ۲۶۵). درباره شمس تیشی در *تذکره نصرآبادی* (۱۳۶۱: ۱۴۷) آمده است:

به خدمت شاه‌عباس ماضی مربوط شده، قهوه‌خانه‌ای در چهارباغ جهت او بنا کرده
و شراب‌خانه هم در پهلوی آن دایر نموده، مقرر فرمودند که هر کس در میخانه
شراب بخورد، او را مهری در کف دست بزند و به آن علامت ملازمان داروغه او
را آزار نرسانند.

مصرف مواد مخدر در میان مردم این دوره شیوع یافته بود. آن‌گونه که ایون گرس^۷ (۱۳۷۰: ۲۰۴) هنگام ورود کاروان فرانسوی به اصفهان می‌گوید: «آنان در کنار مزرعه خشخاش با گروه استقبال‌کننده مواجه شدند. دیدن خشخاش برای آنان مایه تعجب نبود، چون آن‌ها می‌دانستند که سرانجام به سرزمین شگفت‌انگیز افیون و تریاک گام گذاشته‌اند». برخی شاعران این دوره نیز به مواد مخدر آلوده بوده‌اند؛ از جمله: ملاطبیعی، ملارشدهی، ملافرهی، میرظهیر، اسیر شهرستانی و طالب آملی (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۳۷۸-۳۷۹، ۴۱۴، ۴۲۳؛ فتوحی، ۱۳۷۹: ۷۰). استعمال این مواد و دیگر مواد مشابه در این روزگار به سنتی رسمی و دولتی تبدیل شده بود و روزه‌روز گسترش می‌یافت. نیکویخت و دیگران (۱۳۹۳: ۱۲۷) از قول *شاردن* می‌نویسند: «از هر ده نفر فقط یک نفر از این زهر جان‌شکار برکنار مانده است».

در شعر شاعران این دوره، بارها نام مواد مخدری مانند *حَبِ رفیعی*، *حب عنبرین*، *حب جدوار*، *خشت در بهشت*، *سفوف و کوکنار*، *تریاک*، *بنگ* و *چرس* آمده است:

سبیه‌چشمی است امشب سیاقی مستان که نیرنگش به جام هر که اندازد نظر تریاک می‌مالد
(بیدل، ۱۳۸۶: ۵۷۴)

صائب آن فیضی که مخموران نیابند از شراب در طلوع نشئه تریاک می‌بینیم ما
(صائب، ۱۳۷۱: ۱۴۸)

جای جام باده را تریاک نتواند گرفت خاک جای آب آتش‌ناک نتواند گرفت
(همان، ۶۸۸)

غافل مشو چو لاله زادراک نشأتین یک کاسه ساز باده و تریاک به هم
(همان، ۲۸۲۴)

نقش قهوه‌خانه‌های عصر صفوی در تکوین سبک هندی _____ علی حیدری و همکاران

در سبک هندی، شاعر به دنبال یافتن مضمون جدید و معنی بیگانه است، پرداختن به این مواد و حتی انتساب مصرف آن به شاعر نمی‌تواند همیشه مطابق واقعیت باشد و کاربرد نام آن‌ها به معنای استفاده از آن نیست. در دوره‌های بعد این شیوه بیشتر کلیشه‌ای شد و برای تقلید از متقدمان به کار رفت؛ اما دست کم از گسترش و عادی‌بودن مواد مخدر در بین همگان خبر داد.

امروزه از نظر علمی ثابت شده است مواد مخدر مراکز احساس و تخیل‌زای مغز را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نوعی لذت و احساس (هرچند کاذب) را به مصرف‌کننده القا می‌کند. نیکوتین که از محرک‌هاست (اندرسن و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶۰) «قسمت‌هایی از قشر مغز را برانگیخته می‌کند و اثراتی را بر رفتار دارد» (کالات، ۱۳۸۶: ۱۰۶). شاعران این دوره خود نیز متوجه تأثیر او‌هام‌انگیز مواد مخدر بوده و گاهی به آن اشاره کرده‌اند:

به رفع تلخی ایام باید خون دل خوردن / مگر صهبا خمار وهم این تریاک بنشانند
(بیدل، ۱۳۸۶: ۵۷۱)

وهم می‌باید در اینجا، عقل کو؟ فطرت کدام / مزرع ما بیشتر سرسبز دارد بنگ را
(همان، ۲۰۳)

دو جهان جلوه ز آغوش تخیل جوشید / چقدر آینه دارد اثر بنگ حدوث
(همان، ۴۹۷)

نمی‌تپد دل سرگشته در آغوش هوس / سراغ قهوه به جام شراب دشوار است
(همان، ۴۰۱)

این همه دام خیالاتی که بر هم چیده‌ایم / نیست جرم ما و تو، معجون هستی بنگ داشت
(همان، ۳۸۰)

شادم که فطرتم نیست تریاکی تعیین / وهمی که می‌فروشم بنگ است و گاه‌گاه است
(همان، ۳۵۹)

هرطرف موج خیالی است به توفان هم- / کشتی سبز فلک غرقه آب بنگ است
دوش
(همان، ۱۹۶)

شاعران دوره بازگشت نیز به این موضوع اشارتی دارند. عارف قزوینی (۱۳۸۵: ۹۷)

در نکوهش حشمت‌الملک (از خوانین کردستان) می‌گوید:

روز از صحبتش به تنگم و شب / عاجز از قل‌قل قلبانش

مزره حرف بی‌رویه زدن شبیره کرده است زیر دندانش

فتوحی (۱۳۷۹: ۷۰) می‌نویسد:

بسیاری از شاعران برای سرودن شعر و فراهم‌آوردن فضای مناسب برای آفرینش شعر از این مکینفات بهره می‌جستند. طالب آملی بر اثر مصرف فراوان این ماده در دربار جهانگیرشاه بی‌هوش می‌شود و در شعری که در عذرخواهی از آن واقعه سروده است، می‌گوید:

مفرحی زده بودم به قصه گفتن شعر عروج نشئه آن کرد هرچه کرد به من

«ملا مخفی رشتی عادتی به کوکنار داشته، هنگام جوش کیفیت و خمار کمال نمک داشته. امام قلی خان حاکم فارس، سه پایه طلایی جهت کوکنار او ساخته در میان مجلس می‌گذاشت» (همان، ۲۷۹).

هرچند امروزه بحث تعیین گستره (برای هر رفتاری مرکزی در مغز وجود دارد) و عدم تعیین گستره (رفتار مرکب و محدود به فعالیت مرکز مغزی نیست) خاتمه یافته است (خدایپناهی، ۱۳۸۷: ۷) و مطابق با دستاوردهای روان‌پزشکی «رفتار نتیجه تعامل بسیار پیچیده میلیون‌ها نورن است و نمی‌توان یک رفتار خاص را مختص عملکرد یک انتقال دهنده عصبی دانست» (اندرسن و دیگران، ۱۳۸۶: ۴)؛ اما همچنان عملکرد مغز به‌منزله عامل اساسی برخی رفتارها مورد پذیرش است. برای مثال، نیمکره راست می‌تواند بعضی کارها را بهتر از نیمکره چپ انجام دهد که کنترل تظاهرات هیجانی یکی از آنهاست (کالات، ۱۳۸۶: ۱۷۷). موریس مترلینگ^۱ درباره کارکردهای مختلف دو نیمکره مغز می‌گوید: یکی در اینجا منطق و خودآگاهی و شعور را پدید می‌آورد، از دیگری در آنجا اشراق، دین و ناخودآگاهی می‌زاید. آن یک بی‌نهایت و ناشناخته‌ها را باز می‌تابد و این یک فقط به آنچه دارای حدود است و به آنچه می‌تواند امید دستیابی داشته باشد، توجه دارد. این دو بارها کوشیده‌اند در یکدیگر رسوخ کنند، در هم بیامیزند و در هماهنگی کار کنند، اما قطعه غربی دست‌کم در فعال‌ترین بخش کره ما تاکنون کوشش‌های قطعه شرقی را فلج و نابود کرده است. ما به این قطعه غربی پیشرفت خارق عادت خویش را در همه علوم طبیعی مدیون هستیم؛ لیکن فجایعی که هم اکنون گریبان‌گیر ماست [جنگ جهانی اول] ناشی از آن است. فجایعی که اگر مراقب نباشیم،

این بدترین آن‌ها نخواهد بود. زمان آن رسیده است که قطعه مفلوج شرقی را برانگیزیم (ر.ک: فدایی، ۱۳۸۹: ۲۸).

داروها نیز که بسیاری از آن‌ها شباهت فراوانی به مواد افیونی دارند، هر یک تنها بر قسمت‌های مخصوصی از مغز تأثیر می‌گذارند (اندرسن و دیگران، ۱۳۸۶: ۸).

تاکنون بیش از ۶۰ «نوروپیتید»^۹ شناسایی شده که شناخته‌ترین آن‌ها «انکفالین»^{۱۰}، گیرنده مواد افیونی است (همان، ۴). نورن‌های DA^{۱۱} به قسمت‌های «لمپیک میانی»^{۱۲} (که در نیمکره راست مغز قرار دارند) فرافکن (همان، ۶) و باعث بروز یا تشدید هیجان و تخیل می‌شوند. پایز^{۱۳} معتقد است مبنای هیجان‌ها در این دستگاه (لمپیک) قرار دارد (ر.ک: خدائپناهی، ۱۳۸۷: ۸۷). «عملکرد لمپیک هیجان‌ها و رفتارهای قالبی است» (اندرسن و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹). بروکا^{۱۴} برای نخستین بار لمپیک (مهم‌ترین گیرنده مواد افیونی) را در سال ۱۸۷۸ به کار برد (ر.ک: خدائپناهی، ۱۳۸۷: ۸۷). مواد مخدر سبب تحریک لمپیک می‌شود که مرکز عواطف و احساسات است.

بازشدن کانال‌ها در یک‌هزارم ثانیه اتفاق می‌افتد، از این رو تحریک و بازدارندگی آن به این بستگی دارد که کانال مورد نظر به کدام یک از «یون‌ها» نفوذناپذیر باشد (اندرسن و دیگران، ۱۳۸۶: ۸). کوکائین و نیکوتین آزادسازی دوپامین^{۱۵} را به شکل غیرمستقیم افزایش می‌دهند (همان، ۱۶)، سرخوشی به انسداد ناقل دوپامین مربوط و توهم و روان‌پریشی از عوارض آن است (همان، ۱۵۷). ایجاد تصورات درهم‌ریخته از عوارض مصرف حشیش است (همان، ۱۶۱). البته نباید تصور کرد که مراکز احساس و عاطفه تنها به وسیله مواد مخدر تحریک می‌شوند، بلکه عوامل فراوان دیگری نیز در ایجاد تحریک مؤثرند.

به موازات تحریک مراکز احساس و تخیل در مغز، از هر عاملی (مخدر و غیر مخدر)، مراکز تعقل از فعالیت باز می‌مانند یا فعالیت کمتری می‌کنند. بنابراین غلبه فعالیت مراکز احساس بر مراکز تعقل به مرور زمان دائمی خواهد شد.

درست است که مصرف این مواد در مراحل ابتدایی و با دوز پایین یا مصرف موادی که قدرت تخدیر کمتری دارد، قوه تخیل را تحریک می‌کند، اما در صورت افزایش دوز مواد مخدر یا مصرف مواد روان‌گردان مرکز تعقل تا حد زیادی از کار می‌افتد و اختیار

انسان بیشتر به دست تخیلات دوراز ذهن سپرده می‌شود. «استفاده بیشتر از این مواد به ویژه اگر دفعات زیادی در چند روز تکرار شود، مصرف‌کننده را دچار عارضه‌هایی می‌کند که مشهودترین آن‌ها هذیان‌ات است» (کالات، ۱۳۸۶: ۶۹۸). چنان‌که درباره جلال اسیر آمده است: او سخت به بنگ مبتلا بود و به نقل از برادر رضاعی‌اش (فریدون)، بیشتر اشعارش را در حالت مستی و بی‌خودی می‌گفت. حتی سبب بی‌معنایی اشعارش را همین دانسته‌اند (فتوحی، ۱۳۷۹: ۷۰). صائب تبریزی (۱۳۷۱: ۶۴۸) به روان‌پریشی ناشی از این مواد اشاره کرده است:

همچو صائب با مفرح سرکن و سرسبز باش
هیچ زهری بهر اهل فکر چون تریاک نیست
گویا شراب نیز نوشنده را به عالم تخیل رهنمون می‌کند: «جمشید شراب را کشف کرد و قدرت مست‌کننده آن را در رفتن به عوالم دور از واقعیت به‌کار گرفت» (فدایی، ۱۳۸۹: ۳۰).

برخی منتقدان ادبی ضمن تأیید تأثیر مواد مخدر بر تحریک عواطف و احساسات، اشعار زاییده از این حالات را قبول ندارند: «استعمال مواد مخدر انحراف ذوق و احساس است. از انحراف ذوق و تخدیر احساس که خلسه‌های ساختگی و تشنجات و اختلال حواس را در پی دارد تا عاطفه و شهود هنری راه بسیار است» (فتوحی، ۱۳۷۹: ۷۲).

۴. نتیجه‌گیری

در روزگار صفوی به دلایل مختلف دربار پادشاهان از نوای شاعران خالی شد و برخی شاعران همگام با دیگر اقشار به قهوه‌خانه‌ها روی آوردند. ساده‌انگارانه نیست اگر بپنداریم محفلی عامیانه مانند قهوه‌خانه در کنار عوامل دیگر، سبب تحول در شعر عصر صفوی شد.

روابط عاشقانه‌ای که با قهوه‌چی و ... در قهوه‌خانه شایع بوده، از عوامل استمرار وقوع‌گویی در شعر این دوره است. نوع فعالیت‌های ادبی در قهوه‌خانه‌ها به‌خصوص طرح غزل، از ویژگی‌های عصر صفوی است. دیوان شاعران عصر صفوی مملو از غزلیاتی هم‌قافیه و هم‌وزن است و این به سبب طرح قافیه‌ها و وزن‌ها در محافل ادبی از جمله قهوه‌خانه است. اصلاح و نقد اشعار شاعران عصر صفوی از نقاط مثبت

فعالیت‌هایی است که در این قهوه‌خانه‌ها صورت می‌گرفت. این نقدهای اصلاحی به تقویت قریحه شاعران تازه‌کار منجر می‌شد. عصر صفوی گذشته از شعر، در هنرهای نگارگری و خوش‌نویسی نیز چهره‌های صاحب‌نامی دارد که همگام با شاعران، در قهوه‌خانه‌ها رفت‌وآمد می‌کردند و بسیاری از شاعران این دوره، مانند صائب و طالب در هنر خوش‌نویسی مهارت داشتند. کاربرد و بازتاب واژگان خوش‌نویسی و نگارگری در تصویرآفرینی شاعران از جنبه‌های ممتاز سبک هندی است. در قهوه‌خانه‌ها، مواد مخدر تریاک، بنگ و مشروب مصرف می‌شد. براساس دستاوردهای علمی، این مواد مراکز مخصوص احساس و عاطفه مغز را تحریک می‌کنند و مصرف زیاد آن، انسان را به بیان افکار از هم‌گسیخته و شبه‌هذیان وادار می‌کند. بنابراین می‌توان گفت مصرف مواد مخدر از عوامل تخیل‌گرایی و بیان مضامین دورازذهن در شعر شاعران این دوره است.

پی‌نوشت‌ها

- 1 Farank.j fish
2. James Kalat
3. Henderson Yan. M
4. Reid Yan.c
5. Pietro Della Valle
6. Jean Chardin
7. Eyvan Gras
8. Maurice Maeterlinck
9. Neuropeptide
10. Enkephalin
11. Norton
12. Lambik
13. Papez
14. Broca
15. Dopamine

منابع

- آزاد، حسین (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی روانی* ۱. ج ۹. تهران: بعثت.
- آملی، طالب (۱۳۴۶). *کلیات اشعار*. به کوشش طاهری شهاب. ج ۱. تهران: سنایی.
- ابوریحان بیرونی (۱۳۶۲). *تحقیق ماللهند*. ترجمه منوچهر صدوقی سها. ج ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- اخلاص، کشن چند (۱۹۷۳). **همیشه بهار**. به کوشش وحید قریشی. کراچی: انجمن ترقی اردو.
- اعظم‌زاده، محمد (۱۳۸۶). «پیوند نقاشان خیال‌ساز (قهوه‌خانه‌ای) با ادبیات». **علامه**. ش ۱۳. صص ۵۵-۷۲.
- افشار، ایرج (بی‌تا). «موزونان». **ارمغان زرین‌کوب**. چ ۱. صص ۲۷-۲۸.
- اندرسن، یان ام و یان سی رید (۱۳۸۶). **میانی بالینی روان**. ترجمه سعید پورنقاش و دیگران. چ ۱. تهران: سمت.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۸۶). **دیوان**. به کوشش اکبر بهداروند. چ ۱. تهران: نگاه.
- تهرانی، صیدی (۱۳۸۴). **دیوان**. به کوشش محمد قهرمان. چ ۱. تهران: اطلاعات.
- خان آرزو، سراج‌الدین علی (۱۳۸۳). **تذکره مجمع‌النفایس**. چ ۲. به کوشش مهر نور محمد خان. چ ۱. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- خداپناهی، محمدکریم (۱۳۸۷). **روان‌شناسی فیزیولوژیک**. تهران: سمت.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵). **سفرنامه**. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸). **ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما**. ترجمه حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی.
- صائب تبریزی (۱۳۷۱). **دیوان**. به کوشش محمد قهرمان. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). **تاریخ ادبیات در ایران**. ج (۵). چ ۶. تهران: فردوس.
- فتوحی، محمود (۱۳۷۹). **نقد خیال، نقد ادبی در سبک هندی**. تهران: روزگار.
- قزوینی، عارف (۱۳۶۵). **دیوان**. به کوشش رحیم چاوش اکبری. تهران: زوار.
- فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی (۱۳۶۱). **تذکره میخانه**. به کوشش احمد گلچین معانی. تهران: اقبال.
- فدایی، فرید (۱۳۸۹). «تحلیل روان‌پزشکی شعر حافظ برپایه مکتب روان‌کاوی». **روزنامه سلامت**. ش ۲۴.
- فیش، فرنک جی (۱۳۶۸). **روان‌پزشکی**. ترجمه نصرت‌الله پورافکاری. چ ۲. تبریز: تابش.
- فیگوروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). **سفرنامه**. ترجمه غلام‌رضا سمعی. تهران: نشر نو.
- کالات، جیمز (۱۳۸۶). **روان‌شناسی فیزیولوژی**. چ ۴. تهران: دانشگاه شاهد.

نقش قهوه‌خانه‌های عصر صفوی در تکوین سبک هندی _____ علی حیدری و همکاران

- گرس، ایون (۱۳۷۰). *سفیر زیبا*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات تهران.
- محمودی، آزاد (۱۳۸۶). «اصطلاحات خوش‌نویسی در شعر فارسی دوره صفوی». *مجموعه مقالات خوش‌نویسی*. ج ۱. تهران: فرهنگستان هنر.
- ملکیان، اکبر (بی‌تا). «قهوخانه در ایران». *مجله فرهنگ و زندگی کارگزاران و خانه‌های فرهنگی*. ش ۱. صص ۷۸-۹۵.
- مقصودی، منیژه (۱۳۸۱). «قهوخانه به‌عنوان یک نهاد». *کتاب ماه علوم اجتماعی*. ش ۵۶-۵۷. صص ۶۶-۶۸.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۶۱). *تذکره نصرآبادی*. به کوشش حسن وحید دستگردی. تهران: فروغی.
- نعمانی، شبلی (۱۳۶۳). *شعرالعجم*. ترجمه تقی فخر داعی گیلانی. چ ۲. تهران: دنیای کتاب.
- نهاوندی، عبدالباقی (۱۳۸۷). *مآثر رحیمی*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نیکویخت، ناصر و دیگران (۱۳۹۳). «تبلور برخی عناصر قهوه‌خانه‌ای در شعر عصر صفوی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۲. ش ۴. صص ۱۰۹-۱۳۴.
- واله، پیتر و دلا (۱۳۸۵). *سفرنامه*. ترجمه شجاع‌الدین شفا. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی